

بررسی عملکرد نهضت آزادی و مواضع آنان نسبت به رهبری امام خمینی

(مطالعه موردی: ۱۳۴۱/۷/۱۶ تا ۱۳۴۲/۳/۱۵)

علی اکبر جعفری^۱

آرزو کروی^۲

چکیده

قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ از حوادث مهم و تأثیرگذار در تاریخ معاصر ایران است و یکی از زمینه‌های انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. در این پژوهش تلاش شده است آرا و عملکرد نهضت آزادی در یک بازه زمانی نه ماهه؛ چه نسبت به حوادثی که منجر به این قیام شد و چه در خود قیام مورد ارزیابی قرار گیرد. قیام ۱۵ خرداد به دنبال دستگیری امام خمینی پس از سخنرانی ایشان در نقد رژیم پهلوی در مدرسه فیضیه صورت گرفت و پیامد لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید بود. چنین به نظر می‌رسد که نهضت آزادی ستایش‌گر قیام پانزده خرداد و موافق با رهبری روحانیت بوده است. اما باید دید تا چه حد مخالفت نهضت آزادی با لوایح ششگانه و حضور آنان در قیام پانزده خرداد، در مسیر حرکت‌های رهبر قیام یعنی امام خمینی قرار داشته است. برای این منظور استفاده از اسنادی مانند نشریه داخلی نهضت آزادی که بیانگر نظرات این گروه در واکنش به حوادث آن برهه زمانی می‌باشد، ضروری به نظر می‌رسد. این مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و از طریق جمع‌آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای نگارش یافته است. سؤال اصلی در این پژوهش این است که عملکرد نهضت آزادی در سیر حوادث منتهی به قیام پانزده خرداد و مواضع این نهضت نسبت به رهبری امام خمینی در آن برهه زمانی چگونه بود؟

واژه‌های کلیدی: قیام پانزده خرداد، نهضت آزادی، روحانیت، لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، مدرسه فیضیه.

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه اصفهان a.jafari2348@yahoo.com

^۲. کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه اصفهان karoubi.ar@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۵/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۹

مقدمه

قیام پانزده خرداد سال ۱۳۴۲ به دلیل اهمیتی که در مبارزات سیاسی معاصر ایران داشته است همواره مورد توجه می‌باشد. به نظر بسیاری از پژوهشگران تاریخ معاصر ایران، قیام پانزده خرداد نقطه عطف حرکت‌هایی است که از جنبش تنباکو آغاز و به انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ منجر شد. کلیه کسانی که به نظریه انقلاب به خاطر اسلام معتقد هستند، اوایل دهه ۴۰ و مشخصاً سال ۱۳۴۲ را به عنوان نقطه شروع انقلاب اسلامی مطرح می‌کنند. در تاریخ معاصر ایران رهبران ملی که عموماً لیبرال و غرب زده بودند به این نتیجه رسیده بودند که بدون حمایت علما و روحانیون قادر به بسیج توده‌های مردمی نیستند؛ لذا با آن‌ها نوعی تفاهم تاکتیکی برقرار کردند تا روحانیت توده‌های مردم را در جهت نیل به اهداف ملی تحریک نماید. نهضت مشروطه و ملی شدن نفت از جمله مواردی است که به رغم حضور روحانیت در نقش رهبری مردم، رهبران غیرمذهبی میوه چینیان آن جنبش‌ها بوده‌اند.

شاید بتوان جرقه‌های آغازین حرکت انقلابی در پانزدهم خرداد را از مخالفت‌ها در برابر تصویب لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت اسدالله علم در نظر گرفت. واکنش سیاسی نیروهای مخالف دولت در جهت مقابله با انقلاب سفید عموماً اندک بود؛ اما شدیدترین واکنش‌ها در این خصوص را رهبران مذهبی به پیروی از امام خمینی نشان دادند. این گروه به مخالفت با برنامه‌های دولت برخاستند و با آگاه نمودن مردم جریان‌اتی را رقم زدند که منجر به قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ شد.

یکی از گروه‌های مخالف دولت در این میان نهضت آزادی بود؛ که این پژوهش قصد دارد به بررسی عملکرد نهضت آزادی در قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ و نیز مواضع این نهضت در برابر رهبری امام خمینی بپردازد. فرضیه این است که انقلاب سفید محمدرضا پهلوی، نقش به‌سزایی در همسو شدن حرکت‌های نهضت آزادی با رهبری روحانیت ایفا کرد، اما هرکدام از این دو گروه به دلایل متفاوتی از این اصلاحات خرده گرفتند. تأکید نهضت آزادی بیشتر بر جلوگیری از اجرای اصل اصلاحات ارضی بود؛ ولی امام خمینی با کل لوایح ششگانه به خاطر راهی که در زمینه گسترش نفوذ امپریالیسم در ایران باز می‌نمود، مخالف بودند. در این مقاله در ابتدا تلاش شده است نهضت آزادی معرفی گردد و شمایی از زمینه‌هایی که منجر به قیام پانزده خرداد گشت بیان شود. در ادامه مواضع نهضت آزادی نسبت به این حوادث و



رهبری امام خمینی آورده شده و نیز روند حضور آن‌ها در قیام پانزده خرداد ذکر شده است. بدیهی است در این پژوهش از اسناد منتشره و نشریه‌های نهضت آزادی و اسناد مربوط به حوادث که از ساواک انتشار یافته است، استفاده شد. در مورد پیشینه پژوهش باید این نکته را خاطر نشان ساخت که با وجود پژوهش‌های بسیاری که در مورد قیام پانزده خرداد صورت گرفته است اما هنوز هم سؤالات بسیاری در این زمینه بدون پاسخ مانده است. در کتب خط سازش از مجتبی سلطانی و نهضت آزادی در اندیشه و عمل آرای نهضت آزادی از او ان تشکیل تا پس از انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار گرفته است اما به بررسی اختصاصی عملکرد نهضت آزادی در حوادث و جریانات منتهی به قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ پرداخته نشده است.

نهضت آزادی ایران؛ مذهبی‌های جبهه ملی

روشنفکران در ابتدای دهه ۳۰ به دو گروه روشنفکران وابسته به دربار یا روشنفکران مستقل تقسیم می‌شدند. روشنفکران مستقل عمدتاً تمایلات لیبرالی و چپ داشتند و در جبهه ملی، جامعه سوسیالیست-ها و دیگر تشکیلات سیاسی فعالیت می‌کردند. (رجبی، ۱۳۷۴: ۱/۱۹۷) پیش از کودتای ۲۸ مرداد جبهه ملی در داخل خود به دو گروه ملی گراهای غیرمذهبی و ملی گراهای مذهبی تقسیم شده بود. گروه دوم یعنی مذهبی‌های جبهه ملی به عنوان نهضت مقاومت ملی نامیده می‌شدند که این گروه بعدها به دلیل اختلافات داخلی گسترش نیافت. آن دسته از افراد مذهبی که از جبهه ملی جدا شده بودند اساس نهضت آزادی را تشکیل دادند. (احمد پور، ۱۳۸۲: ۹۱)

مشکلات داخلی جبهه ملی و موج مذهب گرایی در دانشگاه‌ها باعث شد تا جناح مذهبی تر و رادیکال تر جبهه ملی از آن جدا شده و نهضت آزادی ایران را تشکیل دهد. این گروه اگر چه از جبهه ملی منسجم تر بودند اما با همان مشکلات دست به گریبان بودند؛ چرا که همانند جبهه ملی آن‌ها نیز از برنامه منسجمی برای مبارزه با رژیم برخوردار نبودند. حیطة نفوذ نهضت آزادی، محدود به اقشار تحصیل کرده جامعه بود و به رغم مذهبی بودن رهبریت این گروه، نهضت آزادی در جذب بازاری‌ها و روحانیت توانا نبود و نیز حوزه نفوذ این گروه از محدوده تهران فراتر نمی‌رفت. (زیباکلام، ۱۳۷۲: ۲۲۳) بازرگان، نهضت آزادی را خارج از جبهه ملی و در مقابل آن نمی‌دانست. وی این نهضت را به عنوان اولین حزب سیاسی



که برای پر کردن جای خالی اکثریت مسلمانان در مبارزات ایران ایجاد شده بود برمی شمرد. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۱۹)

تأسیس نهضت آزادی ایران به عنوان یک تشکل سیاسی-اسلامی، در ۲۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۰ رسماً اعلام گردید. از مؤسسين شناخته شده آن می توان از آیت الله محمود طالقانی، رحیم عطایی، مهدی بازرگان و یدالله سبحانی نام برد. (یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۱۷) در تدوین مرانامه نهضت بر روی این چهار مورد تاکید شده است: ۱. مسلمانیم ۲. ایرانی هستیم ۳. تابع قانون اساسی ایران هستیم ۴. مصدقی هستیم. (صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، ۱۳۶۱: ۱۷-۱۸/۱) مسلمانیم؛ چون نمی خواهیم اصول عقایدمان را از سیاستمان جدا کنیم، ایرانی هستیم؛ زیرا به میراث ملی خود احترام می گذاریم، مشروطه خواه هستیم؛ زیرا آزادی اندیشه، بیان و اجتماعات را خواهیم و در آخر، مصدقی هستیم؛ زیرا استقلال ملی را می خواهیم. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۵۶۶)

به دلیل توجه به نقش اجتماعی روحانیون، بازرگان از اولین روزهای فعالیت نهضت آزادی با تنی چند از این افراد تماس گرفت. به جز آیت الله محمود طالقانی، آیت الله ابوالفضل زنجانی نیز از جمله روحانیونی بود که بیشتر نقش ریش سفید و حامی نهضت آزادی را داشت. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۶۱-۱۶۰) آیت الله زنجانی جزو گروه روحانیون مخالف میانه رو بود که از مصدق و نهضت مقاومت ملی پشتیبانی کرده بود و با جبهه ملی و نهضت آزادی رابطه نزدیک داشت. گروه میانه رو مخالف اصلاحات ارضی و حق رأی زنان بودند اما ترجیح می دادند از طریق رابطه با شاه سیاست های حکومت را تعدیل کنند. (آبراهامیان، ۱۳۷۹: ۵۸۵-۵۸۴)

شکل گیری نهضت آزادی دو ویژگی مشخص داشت اول اینکه این نهضت می خواست سازمانی سیاسی با هویتی اسلامی به وجود بیاورد که آرمان خواهی و آزادی خواهی جبهه ملی را کامل تر کند. ویژگی دوم آن ایجاد موضع رادیکالی در میان صفوف ملیون برای تقویت نهضت بود. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۵۲) نهضت آزادی ایران در حقیقت ستون فقرات نهضت مقاومت ملی بود و رهبران آن هم عموماً از رهبران یا بنیانگذاران و یا از فعالان نهضت مقاومت ملی به شمار می رفتند (نجاتی، ۱۳۷۱، ۱۶۳/۱) پس در واقع نهضت آزادی ادامه نهضت مقاومت ملی بود و در جهت تکامل و گسترش فعالیت نهضت مقاومت ملی



تشکیل شد. شاید بتوان اولین و اساسی ترین عرصه فعالیت سیاسی نهضت آزادی را در مخالفت با لوایح شش گانه و انقلاب سفید برشمرد. لوایح ششگانه‌ای که مخالفت با آن، نقطه آغاز مبارزات گسترده امام خمینی نیز به شمار می‌آید.

آغاز مخالفت‌ها در برابر لوایح ششگانه

در اصول ۹۱ و ۹۲ متمم قانون اساسی آن زمان، در مواد ۷ و ۹ در مورد انتخابات آمده بود که منتخبین باید مسلمان باشند و به قرآن سوگند یاد کنند و نیز زنان از حق انتخاب محرومند. روز ۱۶ مهر ۱۳۴۱ و در زمان فترت و تعطیلی مجلس، علم مصوبه دولت را به عنوان قانون انتخابات اعلام نمود و سه قید مذکور را از متمم قانون اساسی حذف کرد. (هاشمی نجف آبادی، ۱۳۶۹: ۱۰۷)

رهبران نهضت آزادی فوراً به این موضوع واکنش نشان دادند و در اعلامیه‌ای که به این مناسبت منتشر ساختند، از رفتار دولت به شدت انتقاد کردند. آن‌ها اهداف دولت را از این کار سرگرم کردن مردم، ملعبه قرار دادن ناموس دینی و ملی ما، دور شدن طبقات متجدد و متقدم از هم، سرپوش گذاشتن دولت بر اعمال خلاف قانون خود و... برشمردند. (دوانی، ۱۳۷۷: ۳ و ۴/۱۳۳) سپس خاطر نشان شدند که مگر مردها در این مملکت حق رأی دارند که زن‌ها از آن محروم باشند؟ این اعلامیه تأثیرگذار بازتاب زیادی داشت و بازرگان به خاطر انتشار آن در مطبوعات دولتی مورد هجو قرار گرفت. (یزدی، بی تا: ۳۵)

از نظر بازرگان حرکت مستقل و متشکلی که از سال ۱۳۴۰ در روحانیت حوزه‌ای قم، در برابر برنامه‌های ظاهراً مترقی و انقلابی شاه و گستاخی او علیه روحانیت و مذهب بوجود آمد گرچه در ابتدا علیه اقدامات شاه در مشارکت دادن بانوان در انتخابات شوراها و در زمینه اصلاحات ارضی بود؛ ولی با پایداری و رهبری آیت‌الله خمینی، علیه خود شاه و حمایتی که آمریکائی‌ها از شاه می‌کردند توجیه گردید. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۲۱)

از دیدگاه امام خمینی لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه‌ای برای اجرای برنامه‌های ضداسلامی، تشدید سیاست تضعیف روحانیت، حضور و دخالت عناصر غیر مسلمان در امور سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه ایران بود. (قلی پور، ۱۳۸۲: ۱۵۴) به همین دلیل است که در اعلامیه‌های امام



خمینی که بعد از فروردین سال ۱۳۴۲ منتشر شد، دیگر اشاره‌ای به مسأله اصلاحات ارضی و حقوق زنان نمی‌شود. (الگار، بی تا: ۷۱)

غرب در آن زمان اسلام را مانعی برای برنامه‌های استعماری خود می‌دید و برای از بین بردن آثار آن در جامعه تلاش می‌کرد، از دیگر سو برای مبارزه با کمونیسم نیازمند نوعی اسلام بی خطر نیز بود. این دوگانگی موجب می‌شد ضمن مبارزه با مذهب اصیل به رشد مذهبی رفاه طلب و منزوی پردازند. این قیام در حقیقت تفاوت میان اسلام حقیقی و مذهب ساخته و پرداخته روحانیون درباری را نشان داد. (نهضت آزادی در اندیشه و عمل، ۱۳۶۸: ۱۴۸) آنچه مسلم است مسائل مربوط به این لایحه فرصتی برای شروع مبارزات مردم و نیز عملی شدن جهت گیری های امام خمینی شد.

به جز گروه قابل توجهی از طلب یا مدرسین حوزه و طبقه روحانیت رسمی، قشرهای بازاری، متدینین شهرها و روستاها هم وارد معرکه مبارزه شدند. علاوه بر این، ملیون و مخصوصاً روشنفکران مسلمان مبارز هم از این حرکت استقبال کردند. (بازرگان، ۱۳۶۳: ۲۱) لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی گرچه با مخالفت‌های زیادی روبرو شد، اما شاه گمان می‌کرد این مخالفت‌ها از آن روست که علم با عنوان مقام دوم کشور بانی آن است و اگر شخص شاه مجری اصلاحات شود بدون مخالفت جدی و با موفقیت همراه خواهد بود. آنچه شاه را واداشت تا مسئولیت این کار را برعهده گیرد، تعهدی بود که در قبال تعویض و برکناری امینی به امریکا سپرده بود. لذا در ۱۹ دی ماه ۱۳۴۱ که مصادف با سالروز اصلاحات ارضی بود، اعلام کرد که قصد دارد اصول ششگانه‌ای را به رفراندوم بگذارد که بعدها آن را انقلاب سفید نامید. (رجبی، ۱۳۷۴: ۱/۱۸۱)

در نهایت انقلاب سفید محمدرضا شاه در ۶ بهمن ۱۳۴۱ با رفراندوم ساختگی از تصویب ملت گذشت و به نام انقلاب شاه و مردم اعلام گردید. انقلاب سفید مشتمل بر شش اصل بود: ۱. الغای رژیم ارباب و رعیتی ۲. ملی کردن جنگل‌ها ۳. فروش سهام کارخانه‌های دولتی ۴. سهم کردن کارگران در منافع تولیدی و صنعتی ۵. لایحه اصلاحی قانون انتخابات ۶. ایجاد سپاه دانش. این شش اصل بعدها به لوائح ششگانه معروف شد. (دوانی، ۱۳۷۷: ۳ و ۴/۱۸۲)



از نظر بسیاری از مردم این انقلاب تنها از آن جهت سفید خوانده می‌شد که بنیانش در کاخ سفید پی ریزی شده بود و به سختی می‌توان آن را انقلاب نامید، بلکه بیشتر در جهت پیشگیری از بروز یک انقلاب طرح ریزی شده بود. در میان این موارد اصلاحی، شاه بیشتر از همه بر اصلاحات ارضی و حقوق زنان تأکید می‌کرد. شعار اصلاحات ارضی در واقع روپوش و نقابی برای درهم ریختن اقتصاد کشاورزی بود به شیوه‌ای که منافع خاندان سلطنتی و منافع الیگارشی وابسته به خاندان سلطنت و منافع تجاری زراعی شرکت‌های خارجی در آمریکا، اروپا و به ویژه در اسرائیل حفظ گردد. حقوق زنان هم طرحی در جهت افزایش مصرف کالاهای خارجی بود. (الگار، بی‌تا: ۷۰-۶۹)

دولت ادعا کرده بود روحانیون با اصلاحات ارضی مخالفند چون خودشان جزو ملاکین بزرگ و عاملان نظام فئودال هستند اما نهضت آزادی با بیان این مطلب که روحانیون از درآمد طبقات فئودال سهمی ندارند و منبع درآمدشان از طبقات پایین اجتماع است، به دفاع از روحانیون پرداخت. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۶۳) از نظر نهضت آزادی ساختار اجتماعی ایران اصولاً فئودالی نبود، طبقه زمیندار و ملاکین بزرگ طبقه مسلط سیاسی نبودند و دولت صرفاً با اجرای اصلاحات ارضی قصد افزایش قدرت سیاسی خود را داشت. دلیل دیگر مخالفت آنان نتایج وخیمی بود که این اصلاحات برای اقتصاد ایران در پی داشت. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۷۸-۱۷۷)

تغییر در کادر رهبری نهضت آزادی

اعضای نهضت آزادی ایران در این چند ماه دوبار دستگیر شدند. در مرتبه نخست علت دستگیری آن‌ها بیان نظرات نهضت آزادی درمورد انقلاب سفید در جزوه ایران در آستانه یک انقلاب بزرگ است که سران نهضت آزادی تنها ۲۴ ساعت پس از انتشار آن دستگیر شدند. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۷۶) دستگیری سران نهضت که همزمان با اوج گیری مبارزات روحانیت به رهبری امام خمینی بود، موجی از اعتراضات را به همراه داشت و دانشجویان دانشگاه‌ها چندین بار به خاطر آن دست به اعتصاب زدند. (صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، ۱۳۶۳: ۳/۱۰) اما دستگیری دوم با زیر نظر گرفتن یک ماهه اعضای اصلی نهضت آزادی صورت گرفت. در اسناد ساواک در این مورد آمده است: «... از یک ماه قبل عناصر نهضت آزادی را زیر نظر قرار گرفته بودند. در ساعت ۱۹:۳۰ روز ۴۲/۳/۱ افراد فعال نهضت دستگیر و کلیه اعلامیه‌ها



و مدارک و آخرین نشریه شماره ۱۰ ضبط و توقیف گردید. مهندس سبحانی در بازجویی‌های اولیه اقرار نمود متن نشریات داخلی نهضت آزادی را وی تهیه می‌نموده است...». (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸، ۲: ۲۶۸)

اعضای نهضت به زندان‌هایی از کمتر از یک سال تا ده سال محکوم شدند. بازرگان متهم ردیف یک و آیت‌الله طالقانی متهم ردیف سه به ده سال و یدالله سبحانی متهم ردیف دو به چهار سال زندان محکوم شدند. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۷۵/۱) در اوایل خردادماه آیت‌الله طالقانی برای چند روزی آزاد شد و زمینه‌ای فراهم شد تا بعداً به علت شرکت در قیام پانزده خرداد دستگیر شود به همین دلیل چند روز پس از این قیام مجدداً دستگیر شد. (صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، ۱۳۶۳: ۱۰/۳) بر ما روشن نیست که پس از دستگیری رهبران درجه اول نهضت آزادی چه کسانی به رهبری سازمان رسیدند. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۶۵) اما از سران اصلی نهضت حسن نزیه، منصور عطایی، رحیم عطایی و عباس سمیعی دستگیر نشده بودند. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۴۵/۱)

اهمیت حادثه فیضیه در تنویر تغییر منش نهضت آزادی در مقابل رهبری امام خمینی

در فروردین ۱۳۴۲ به مناسبت شهادت امام جعفر صادق (ع) و نظر به اعمال ضداسلامی رژیم مراجع اعلام کردند که در ایام عید جلوس نخواهند داشت بلکه مراسم عزاداری تشکیل خواهند داد. (دوانی، ۱۳۷۷: ۳ و ۴ / ۲۲۱) این مجالس عزاداری منجر به حملات و حشیانۀ عمال شاه به مدرسه فیضیه و کشتار طلاب علوم دینی و تخریب مدرسه فیضیه شد که به تفصیل در کتب آمده است و ذکر آن در این مقاله نمی‌گنجد. اما آنچه در این میان پر اهمیت است، رویکرد متفاوت امام خمینی و نهضت آزادی نسبت به این جریان است. راه جداگانه امام خمینی و نهضت آزادی در موضع‌گیری‌های پس از این حادثه بیشتر خود را نمایند.

در حالیکه امام خمینی پس از حادثه فیضیه به مخالفت‌های خود با سلطنت محمدرضا پهلوی در زمینه نفوذ هر چه بیشتر بیگانگان در ایران، جنبه عینی‌تر و شدیدتری بخشیدند، سران نهضت آزادی تنها به هم دردی با علما پرداخته و اقدامات رژیم را محکوم کردند اما حرفی از مخالفت با امپریالیسم به زبان نیاوردند. آن‌ها ضمن نامه‌ای به مراجع تقلید قم و مشهد تجاوز عوامل دولت به مدرسه فیضیه را محکوم



کرده، نهضت علما را در جهاد علیه استبداد ستودند و آمادگی خود را برای همگامی و همفکری در این جهاد مقدس اعلام داشتند. (صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، ۱۳۶۱: ۱۷۵/۲)

اما امام خمینی در این میان به شیوه عملی مخالفت خود را با اقدامات رژیم ابراز کردند و دست به اقداماتی چند در جهت روشنگری افکار عمومی در مورد اعمال دولت زدند. از جمله اینکه از خبرنگاران خبرگزاری‌های خارجی دعوت کردند که به قم رفته و از مدرسه فیضیه و طلاب مجروح گزارش تهیه نمایند. (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۳۹/۲)

از اولین اعلامیه‌های امام که در سال ۱۳۴۲ منتشر شده می‌توان منش ایشان در مبارزه با رژیم پهلوی را درک کرد. امام با کلامی ساده و روان و قابل فهم برای همه اقشار ایران بر روی مواردی تأکید کردند که اصلاً ارتباطی با مسأله حقوق زنان و اصلاحات ارضی ندارد. اولین پیام این اعلامیه‌ها این بود که ملت باید قیام علیه شاه را ادامه دهند زیرا او سوگندی را که به هنگام دریافت سلطنت در جهت حفظ اسلام ادا کرده بود، زیر پا نهاده است. از دیگر موضوعات مورد تأکید امام خمینی پس از حادثه فیضیه فرمانبرداری شاه از قدرت‌های خارجی به ویژه آمریکا و اسرائیل بود. (الگار، بی تا: ۷۲) در پی موضع‌گیری‌های امام سایر علمای شهرهای بزرگ ایران و نجف هم حمله ماموران رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه را محکوم کردند و شاه را عامل اصلی آن معرفی کردند. به این ترتیب امام خمینی به یکی از مهم‌ترین اهداف خودشان یعنی به مبارزه کشیدن شاه و قرار دادن روحانیون در خط مقدم مبارزه دست یافتند و مشروعیت دینی و مذهبی حاکمیت پهلوی را زیر سوال بردند. (قلی پور، ۱۳۸۲: ۱۶۲) در حالیکه مواضع امام خمینی نسبت به استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا، خصمانه بود و شاه را به خاطر حفظ منافع آن‌ها در ایران مستحق نکوهش می‌دیدند نهضت آزادی ایران مواضع دیگری را برگزیده بود. برغم ادعای نهضت آزادی مبنی بر موضع‌گیری علیه امپریالیسم آمریکا، روابط این گروه و آمریکا در این دوران، بر مبنای حسن نیت و محافظه کاری بیش از حد بوده است. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۱/۲۳۶ و ۲۴۱)



نحوه مشارکت نهضت آزادی در حوادث منتهی به نیمه خرداد ۱۳۴۲

با فرا رسیدن ماه محرم برای پیشبرد مبارزات، امام خمینی پیشنهاد کردند در این ایام تعدادی از روحانیون و مبلغین دینی در سراسر کشور در مورد اقدامات خلاف دینی و ملی رژیم پهلوی سخنرانی نمایند. شخص امام خمینی نیز در عصر عاشورا در مدرسه فیضیه سخنرانی کردند. (قلی پور، ۱۳۸۲: ۱۶۵) در بیانات امام خمینی در مدرسه فیضیه در ۱۳/۳/۱۳۴۳ امام خطر اسرائیل را گوشزد کردند و گفتند: اسرائیل برای تصاحب ثروت‌ها به دست عمال خود در صدد شکستن موانع است. قرآن، روحانیت، مدرسه فیضیه و طلاب علوم دینی سد راه اسرائیل است. سپس به شاه توصیه کردند کاری نکن که رفتن تو موجب شادی ملت گردد. (صحیفه نور، ۱۳۶۱، ۱/۵۵-۵۴)

در تهران کانون حضور اعضای نهضت آزادی در مسجد حاج ابوالفتح بوده است. در روز تاسوعا دسته عزاداران مسجد حاج ابوالفتح به طرف کاخ‌های سلطنتی رفته و شعار مرگ بر دیکتاتور سر دادند. تعداد افراد شرکت کننده از هشت هزار نفر بیشتر بود. این افراد اکثراً از میان بازاری‌ها، دانشجویان و طلاب بودند و از طرفداران مصدق، توده‌ای‌ها و یا اعضای نهضت آزادی به حساب می‌آمدند. (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲/۳۷۸)

تشریح اوضاع روز عاشورا در سند شماره ۸۲۷/بخش ۳۱۲ مربوط به تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۴۲ اینگونه بیان شده است: «...در حقیقت شعار (امام) خمینی، عکس (امام) خمینی و نام (امام) خمینی سمبل و شعار اصلی مخالفین بود و نباید نادیده گرفت که بخصوص دسته‌ای که از مسجد حاج ابوالفتح حرکت و طبق تحقیقی که به عمل آمده کارگردانی آن را اعضای نهضت آزادی، جبهه ملی و عمال آیت‌الله بهبهانی و سایر روحانیون مشترکاً بر عهده داشته مراسم عزاداری آن‌ها از سینه زنی تبدیل به نوحه خوانی وضع مملکت و دموستراسیون شد روی این اصل اولاً عدم شرکت و اعاظ در مراسم عزاداری دربار شاهنشاهی در کاخ گلستان و اعتماد عجیب و محکمی که بین تمام روحانیون درست شده و مردم هم از تمام طبقات آن‌ها را حمایت می‌کنند و مجالسی که تعداد شرکت کنندگان در آن به مراتب از سنوات قبل بیشتر بوده و همه تبدیل به مجالس حمله به دولت... می‌شد». (قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۸: ۲/۳۹۱)



به دنبال موضع‌گیری‌های قاطع امام خمینی، ایشان در نیمه شب پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ دستگیر شدند. در جلسه هیئت دولت که در پانزده خرداد به ریاست اسدالله علم در کاخ نخست وزیری برگزار شد وی خاطر نشان کرده است که در ابتدا تصمیم بر این بود که روز شنبه امام خمینی را در قم و آیت‌الله قمی را در مشهد دست‌گیر شوند ولی به دلیل سخنرانی قاطع و کوبنده امام خمینی و نیز از ترس هم صدا شدن قم و مشهد با یکدیگر و سخت شدن کار در ساعت ۴ بعد از نیمه شب امام خمینی دستگیر شدند و چون خبر به تهران رسید اعتراضات مردمی شروع شد. (متن کامل مذاکرات هیات دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲، بی تا: ۲۱) بعد از پخش خبر دستگیری امام خمینی در تهران و قم تظاهرات خیابانی وسیعی به راه افتاد و قیام پانزده خرداد شکل گرفت. پس از سه روز درگیری دولت بر اوضاع مسلط شد. این تسلط به خیابان‌ها محدود نمی‌شد و مسأله بسیار عمیق‌تر بود. در واقع دولت توانسته بود با چند مانور پی در پی سیاسی، مخالفین خود را از جناح محافظه‌کار تا جناح تندرو از میدان به در کند و زمینه رشد بلامانع دستگاه بوروکراسی و در رأس آن شاه را فراهم آورد. قدرتی که برای پانزده سال بعدی رشد بی سابقه‌ای یافت. (برزین، ۱۳۷۸: ۱۵۲)

پس از این قیام نهضت آزادی در اعلامیه‌ای در ۱۶ خرداد به شرح وقایع قیام پرداخته است. نکته مهم در این اعلامیه اشاره به مصدق به عنوان رهبر ملت ایران است! قابل توجه است که در راهپیمایی یازدهم محرم نیز گروهی سعی در مربوط نمودن شعارها به مصدق بوده‌اند. چرا که نهضت آزادی ایران از همان آغاز و حتی در اولین بیانیه‌ای که صادر کرد، مصدق را یگانه رئیس دولت منتخب ایران، محبوب واقعی مردم و مبارز بزرگ ضد استعمار می‌دانست (نجاتی، ۱۳۷۱، ۱۶۵/۱) این اطلاعیه و سایر اطلاعیه‌های منتشره در آن سال (ذکر این اعلامیه‌ها در ادامه می‌آید) که در آن به شاه و سلطنت حمله شده بود بعداً توسط یاران رهبران بازداشت شده نهضت، از جنبه ضدشاهی آن‌ها مورد تکذیب رسمی قرار گرفت، اما از جنبه طرح مصدق در آن زمان نه تنها هیچ‌گاه مورد تکذیب قرار نگرفت، بلکه بر آن تأکید هم شد. (سلطانی، ۱۳۶۷: ۴۶/۱-۴۵)

نهضت آزادی از همان اوان تشکیل به شدت از حکومت جبهه ملی پشتیبانی می‌کرد. بازرگان در صحبت‌هایش در ۱۵ تیر ماه سال ۱۳۴۰، متذکر شد که هر کسی حق عضویت در این حزب را دارد و



ما هیچ کاری به دین دار بودن یا نبودن اشخاص نداریم. به علاوه صراحتاً اعلام نموده بود که نهضت آزادی طرفدار به حکومت رسیدن جبهه ملی است و همانند یک عضو جبهه ملی از آن‌ها پشتیبانی خواهد نمود. (گودرزینی، ۱۳۹۰: ۵۷/۲)

سرسپردگی و تأمین منافع نیروی غربی صاحب نفوذ در ایران یعنی آمریکا، واقعیتی بود که در بین رجال ایران در آن دوره، با درجه‌ها و شیوه‌های متفاوت وجود داشت. سران جبهه ملی هم که بعد از برکناری مصدق همواره در آرزوی موقعیتی بهتر به سر می‌بردند، نه تنها از این قاعده مستثنی نبودند بلکه به حمایت آن‌ها نیاز داشتند (ذوالفقاری، ۱۳۹۲: ۱۷۲/۱). بعید است نهضت آزادی با این همه پشتیبانی از جبهه ملی از این موضع آن‌ها آگاه نبوده باشد، کما اینکه اعضای نهضت آزادی در اعلامیه‌های منتشر شده پس از خرداد ۱۳۴۲ با موضع خصمانه‌تری در مورد رژیم و شخص محمدرضا پهلوی اظهار نظر کردند اما کمتر سخنی از نفوذ آمریکا و اسرائیل در ایران به میان آوردند. آمریکا و اسرائیلی که امام خمینی در مبارزاتش بر جلوگیری از گسترش سلطه آن‌ها در ایران تأکید بسیار می‌کرد.

اعضای نهضت آزادی در اعلامیه‌ای با عنوان «دیکتاتور خون می‌ریزد» در تاریخ ۱۹ خرداد نوشتند: در طول تاریخ ایران نخستین بار است که به مقام نیابت عظیم امام علی (ع) جسارت می‌شود و مرجع تقلید حضرت آیت‌الله خمینی دزدیده و زندانی می‌شود. سپس این نهضت به مناسبت چهلمین روز از درگذشت افراد در قیام پانزده خرداد اعلامیه دیگری در ۱۳۴۲/۴/۲۲ منتشر نمود. (یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۴۰-۳۷) در واقع پس از سرکوب خونین قیام پانزده خرداد موضع نهضت آزادی تغییر کرد. در این اعلامیه‌ها دیگر اشاره‌ای به قانون اساسی نمی‌شود و نهضت آزادی رژیم را در آستانه ویرانی و سقوط معرفی می‌کند. البته نباید فراموش کنیم که این موضع‌گیری تند به تصمیم رهبران جدید نهضت آزادی انجام شده بود و رهبران درجه یک سازمان از جمله بازرگانان در زندان به سر می‌بردند (برزین، ۱۳۷۸: ۱۶۹)

آن‌ها در اعلامیه دیگری اعضای نهضت خود را با علما در پیوندی ناگسستنی دیدند اما در عمل آنچه پس از قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ در عملکرد نهضت آزادی نمود یافت اختلاف زیاد در خط مشی آن‌ها با رهبری روحانیت بود. در این اعلامیه با عنوان «پیوند مقدسی که ناگسستنی است» آمده است: «... در



نیمه دوم سال ۴۱ الهامات مراجع عظام تقلید و علمای مبارز و آزادیخواه به میان توده‌های روشنفکر و ستمدیده جامعه راه یافت و مجاهدت جمیله آن بزرگواران هرچه موثرتر و نافذتر گشت... همه بیاد دارند که در جنبش خونین ضد دیکتاتوری نیمه خرداد ۴۲ ما چون سربازانی پاکباز در راه روحانیت شیعه که مظهر دین و آزادی ملی ماست سرنهادهیم... پیکار تاریخی و هیجان انگیز نیمه خرداد ۴۲ تجسم درخشان آرمانی بود که طی سال‌ها مبارزه زیر پرچم مقدس نهضت ایران در دل می‌پروراندیم و در راه تحقیق‌تلاشی سخت می‌کردیم... نهضت آزادی ایران همواره مورد تائید حضرات آیات عظام بوده است... همبستگی کامل و وحدت خلل‌ناپذیر خود را با آن پیشوایان بزرگ موکداً اعلام می‌دارد...».

(یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۴۴-۴۱)

در عمل به دنبال سرکوب قیام پانزدهم خرداد و برقراری شرایط امنیتی بی سابقه در ایران، اصلاح طلبی برای حداقل پانزده سال به خاک سپرده شد. رهبران نهضت آزادی سال‌ها در زندان باقی ماندند و در این مدت به علت نداشتن برنامه مشخص و افزایش جو دیکتاتوری دیگر قدرت بازسازی تشکیلاتی خود را پیدا نکردند. جریاناتی که در رابطه مستقیم با قیام پانزدهم خرداد و امام خمینی بودند به دلیل نوع مواضع سیاسی تشکیلاتی‌شان همچنان مخفی باقی ماندند اما به علت کم تجربگی کارآیی چندانی نیافتند.

(افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۲۸۳-۲۸۲)

نیروهای جوان و فعال نهضت آزادی تا اواسط سال ۱۳۴۳ به همان شیوه مبارزات سیاسی را ادامه دادند، اما اختناق حاکم آنان را نیز متقاعد ساخت که توسط به جهاد مسلحانه اجتناب ناپذیر است. این موضع مخالف نظر برخی از رهبران نهضت و حتی رهبری روحانیت بود لذا از اواسط سال ۱۳۴۳ فعالیت‌ها به نام نهضت آزادی ایران متوقف گردید. (یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران، ۱۳۶۱: ۴۷) اما افراد نهضت آزادی طی تحولاتی به چند دسته تقسیم شدند و گروه‌هایی مانند سازمان مجاهدین خلق، نهضت آزادی خارج از کشور و گروه‌های موتلفه را تشکیل دادند. گروهی سکوت و تقیه را برگزیدند، ولی عده‌ی زیادی به کارهای تبلیغاتی و فرهنگی از جمله پخش اعلامیه و نوارهای امام خمینی و برقراری تماس با ایشان و جمع‌آوری وجوهای در این جهت پرداختند. (افراسیابی و دهقان، ۱۳۶۰: ۲۸۴-۲۸۳).



عدم حضور فعال این گروه در جریانات بعدی به دلیل زندانی شدن یا سرکوب آنها نبود، بلکه این گروه بعد از خرداد ۴۲ عملاً به عنوان نیروی اصلی مخالف رژیم، آن طور که در قبل می بودند، دیگر حضور نداشتند. نکته این جاست که تعداد زندانیان سیاسی مذهبی در آستانه پیروزی انقلاب دو یا سه هزار نفر بود، اما جمع زندانیان سیاسی جبهه ملی، نهضت آزادی و حزب توده به زحمت به یکصد تن می رسید. در حالیکه در اوایل دهه ۱۳۴۰ اغلب زندانیان سیاسی را ملیون و توده‌ای‌ها تشکیل می دادند (زیباکلام، ۱۳۷۲: ۷۰ و ۱۰۹).

نتیجه گیری

یکی از گروه‌هایی که در مخالفت با لویح ششگانه و انقلاب سفید شرکت داشت، نهضت آزادی ایران بود. این گروه که با بنیانی ملی و مذهبی در ادامه راه جبهه ملی ایجاد شد که از همان ابتدا چهره‌های مذهبی را در ترکیب افراد بنیان گذار خود داشت. مخالفت آنها بیشتر در مورد اصل اصلاحات ارضی بود و موضع چندان خصمانه‌ای در قبال افزایش اختیارات آمریکا نداشتند در حالیکه مخالفت امام خمینی و یارانش به دلیل پیامدهایی بود که این اصلاحات در جهت گشودن دست قدرت‌های خارجی به خصوص آمریکا و اسرائیل در ایران داشت.

این گروه از رهبری امام خمینی حمایت کرده و با انتشار اعلامیه‌های مختلف و به مناسبت‌های گوناگون حرکت‌های مردم به رهبری روحانیت را ستودند خواستار همکاری در این قیام شدند، اما شیوه مبارزه آنان با امام خمینی تفاوت داشت. نهضت آزادی بیشتر بر ملی گرایی تأکید داشت ولی چون هویت مذهبی فراگیرتر و هویت ملی سطحی‌تر بود، سران این گروه خود را به جامعه مذهبی و جامعه روحانی نزدیک کردند تا بتوانند از نیروی توده‌های بسیج شده توسط روحانیت استفاده کنند. در حالیکه بر این نکته که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت، تأکید می‌کردند. مبارزه آنها بر اساس قانون اساسی بود و به جهاد مسلحانه علاقه‌ای نداشتند. حتی با استناد به قانون اساسی حکومت شاه را در چارچوب قانون اساسی می‌خواستند.

پس از دستگیری رهبران درجه اول نهضت و سرکوب قیام پانزده خرداد رهبری جدید نهضت مواضع تندی نسبت به رژیم اتخاذ نمودند که کمتر بر مبنای قانون اساسی بود در اعلامیه‌های پس از قیام پانزده



خرداد از شاه به عنوان خون آشام یاد کردند و خواستار سرنگونی وی شدند این در حالی بود که سایر روشنفکران مستقل نسبت به واقعه پانزده خرداد سیاست سکوت و بی نظری در پیش گرفتند که به مفهوم بی اعتنایی و تأیید اقدامات دولت بود. هرچند بعدها این اعلامیه‌ها را تکذیب نمودند. ذکر نام مصدق توسط این گروه در راهپیمایی‌ها و بلافاصله بعد از قیام در اعلامیه‌ها بدلیل انحراف از مسیر مبارزات اسلامی و در جهت ایجاد تشتت در ارکان قیام بود.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۷۹). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی ولیلایی، تهران: نشر نی، چ ۵.
- احمد پور، محمد نقی (۱۳۸۲). آغاز بیداری، ویژه نامه قیام پانزده خرداد، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- افراسیابی، بهرام و سعید دهقان (۱۳۶۰). طالقانی و تاریخ، تهران: انتشارات نیلوفر، چ ۲.
- الگار، حامد (بی‌تا). ایران و انقلاب اسلامی، مترجمین سپاه پاسداران، تهران: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳). انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: ناشر مهدی بازرگان، چ ۵.
- برزین، سعید (۱۳۷۸). زندگینامه سیاسی مهندس مهدی بازرگان، تهران: نشر مرکز، چ ۳.
- دوانی، علی (۱۳۷۷). نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چ ۲.
- ذوالفقاری، ابراهیم (۱۳۹۲). «جبهه ملی و قیام خونین پانزده خرداد»، در مبدأ نهضت (مجموعه مقالات قیام پانزده خرداد)، ج ۱، به کوشش رحیم نیکبخت میرکوهی و مجتبی سلطانی احمدی، تهران: خانه کتاب.
- رجبی، محمدحسن (۱۳۷۴). زندگینامه سیاسی امام خمینی، ج ۱، تهران: موسسه فرهنگی قبله، چ ۴.
- زیباکلام، صادق (۱۳۷۲). مقدمه ای بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات روزنه.



- سلطانی، مجتبی (۱۳۶۷). خط سازش، ج ۱، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.
- صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی مدظله العالی (۱۳۶۱). ج ۱، تهران: انتشارات شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی.
- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت آزادی ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ (۱۳۶۱). ج ۱ و ۲، تهران: چاپخانه رایکا.
- صفحاتی از تاریخ معاصر ایران، اسناد نهضت آزادی ایران ۱۳۴۰-۱۳۴۴ (۱۳۶۳). ج ۳، تهران: ناشر نهضت آزادی ایران.
- قلی پور، جعفر (۱۳۸۲). مواضع امام خمینی (ره) در برابر نظام سیاسی پهلوی و نهادهای آن، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- قیام پانزده خرداد به روایت اسناد ساواک (۱۳۷۸). ج ۲، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- گودرزبانی، احد (۱۳۹۰). روز شمار پانزده خرداد (تابستان ۱۳۴۰)، ج ۲، تهران: سوره مهر، چ ۲.
- متن مذاکرات هیات دولت طاغوت در پانزده خرداد ۱۳۴۲ اسناد فاش نشده‌ای از قیام خونین پانزده خرداد (بی‌تا). تهران: دفتر هیات دولت و روابط عمومی نخست وزیر.
- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۱). تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران (از کودتا تا انقلاب)، ج ۱، تهران: موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- نهضت آزادی در اندیشه و عمل (۱۳۶۸). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- هاشمی نجف آبادی، سیدرضا (۱۳۶۹). ریشه‌های انقلاب اسلامی، اصفهان: انتشارات مولوی.
- یادنامه بیستمین سالگرد نهضت آزادی ایران (۱۳۶۱). بی جا: چاپخانه طاهری.
- یزدی، ابراهیم (بی‌تا). با یاد پانزدهم خرداد، سخنرانی دکتر ابراهیم یزدی، تهران: نشر وحید.